

## بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کتی دامت افاضاته جنابعالی را به نمایندگی خویش تعیین نمودم تا با نماینده‌ای که جناب آقای بنی صدر و نماینده دیگری که جناب حجت الاسلام آقای بهشتی و جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی و جناب آقای رجایی تعیین می‌نمایند موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی بنمایند و نیز در زمان جنگ که زمانی استثنائی است به اقوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور می‌شود رسیدگی بنمایند و نیز در همین زمینه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی را مورد بررسی قرار دهید تا هر کس و هر چه به حسب رأی اکثریت متخلف و تخلف به شمار آید، در مرتبه اول به آنان تذکر دهید تا در اصلاح خود بکوشند و در مرحله بعد به وسیله رسانه‌های گروهی به مردم شریف کشور معرفی و در تمام موارد فوق به دادستان کل کشور گزارش دهید و دادستان کل کشور شرعاً موظف است تا با بیطرفی کامل، پس از طی کردن مراحل قانونی، موافق موازین شرعی و قانونی با آنان عمل نمایند. انتظار می‌رود که آنچه را به عهده آقایان گذاشته شده است که یک تکلیف شرعی است، قاطعانه و بدون غمض عین عمل نمایند. لازم به تذکر است که برای اتحاد بیشتر بین نمایندگان هیچ کدام از سه نماینده در خارج از جلسه، حق بازگو کردن نظر خود و اظهار مخالفت با رأی اکثریت را که موجب تضعیف هیأت گردد نداشته و در صورت تخلف که موجب جنجال است، دادستان کل کشور با خود نماینده متخلف چون سایرین عمل خواهد نمود. لازم است نمایندگان و افرادی که آنان را تعیین می‌نمایند و همه نویسندگان و گویندگان برای حل محضلات جامعه دست در دست یکدیگر دهند و در حدود قانونی وظایف خویش برای پیشبرد مقاصد عالی اسلام تلاش نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته  
روح الله الموسوی الخمینی



شہباز الدین اشرفی



محمد عرفانی



محمد رضا مہدوی کسی

شورای حکمیت

شده بود. امام در این پیام به تخلف روزنامه‌های میزان و انقلاب اسلامی<sup>۱</sup> از فرمان آرامش اشاره داشتند و اشاره به دستوری کردند که به دادستان کل کشور، در مورد تعقیب متخلفان همین دو روزنامه داده‌اند. انصافاً آقای بنی‌صدر در استون کارنامه روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۶۰/۱/۱۱ وقاحت را از حد گذرانده و به همه حتی رهبر، اهانت نموده<sup>۲</sup>. پیدا است که اینها تشنج را طالبند.

در پیام امام در مورد جنگ و هیأت میانجی هم مطالبی آمده که سیاست آقای بنی‌صدر را محکوم می‌کند. آقای بنی‌صدر در کارنامه دیروز نوشته، مایل است به جنگ خاتمه بدهد و صلح کند، ولی شعارهای راهپیمایی امروز و اظهارات امام یقیناً راه را برای ایشان بسته است. عفت و فاطمی به دعوت مسئولان بنیاد شهید به دیدار هزار و هفتصد نفر از خانواده‌های شهدای خوزستان به هتل استقلال رفتند و تا آخر شب با آنها بودند. در غیاب آنها محمود محی‌الدینی، نصرت، بچه‌هایش و رضا آیت‌اللهی آمدند. محمود از رکود و باندهازی در شرکت نفت می‌گفت و اظهار می‌داشت، باند حاکم است و می‌خواست فکری بکنیم.

آقای اشراقی داماد امام تلفن کرد و برای عده‌ای از تصفیه شدگان وقت گرفت که بیایند در رابطه با لایحه بازسازی با من صحبت کنند. ایشان درباره ایده‌هایش در ارومیه و نیاز به همکاری سپاه صحبت کردند<sup>۳</sup>. آقای جعفر مطهری از تجار بازار آمد و از آقای جلال‌الدین فارسی در اهتمام به ملی‌گرایی و تأیید راه دکتر محمد مصدق و محکوم کردن آیت‌الله

۱ - روزنامه میزان ارگان نهفت آزادی ایران به رهبری مرحوم مهندس مهدی بازرگان و مدیریت دکتر رضا صدر و روزنامه انقلاب اسلامی با صاحب امتیازی سید ابوالحسن بنی‌صدر و مدیریت محمد جعفری و سردبیری سید جمال‌الدین موسوی در تهران منتشر می‌شدند و به حکم دادستانی کل کشور به اتهام ایجاد اختلاف و تشویش و ناامنی در جامعه، توقیف گردیدند.

۲ - کارنامه رئیس جمهور عنوان ستونی بود در روزنامه انقلاب اسلامی که در صفحه اول آن چاپ می‌شد و در آن، بنی‌صدر کارهای روزانه خود را به همراه عقاید و ایده‌ها به مردم گزارش می‌کرد. در روزنامه انقلاب اسلامی سه‌شنبه ۱۱ فروردین شماره ۵۰۳ بنی‌صدر به ذکر کارنامه روزهای پایانی اسفند ماه پرداخته و در آن به مجلس شورای اسلامی، دیوان عالی کشور، حزب جمهوری اسلامی و رهبر کبیر انقلاب اسلامی تاخته است. در این کارنامه، اقدام مجلس در طرح دوفوریتی وزارتخانه‌های بدون وزیر که انتخاب سرپرست این وزارتخانه‌ها به نخست‌وزیر (شهید رجایی) واگذار شده، مورد حمله قرار گرفته است.

بنی‌صدر در این کارنامه رقیبان خود را به چماق‌داری و بی‌اعتنایی به قانون اساسی متهم ساخته است. همچنین با این مطلب به رهبر انقلاب نیز توهین نموده است: از رهبری سنتی کاری ساخته نیست، چرا که طی دو قرن، عرصه‌های اندیشه و عمل را از او گرفته‌اند و هنوز نیز می‌گیرند و این رهبری گاه مقاومتکی کار پذیرانه می‌کند و تسلیم می‌شود.

۳ - مرحوم آیت‌الله اشراقی داماد حضرت امام، از سوی ایشان مأمور رسیدگی به وضع کردها در استانهای آذربایجان غربی و کردستان بودند.



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی  
دفتر رئیس

شماره ... لا

تاریخ ۱۳۶۰ / ۱ / ۲۴

پیوست ...

بیت

### هیئت محترم بررسی اختلافات

محترماً - جناب آقای بنی صدر در کارنامه خود که در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۰۳ مورخ ۱۱/۱/۶۰ صفحه ۶ ستون دوم منتشر شد، نوشتن آن که من همه مردم حاضر در مراسم ۱ اسفند و انگار افراسلمان و... معرفی کرده ام، در صورتیکه این ادعا تحریف صریح اظهارات اینجانب است با ارسال متن اظهاراتم در جمله طنسی یکشنبه مورخ ۱۷ اسفند ماه ۶۰ که در صفحه ۶ اسطرتا ۲۳ تا ۳۲ مذاکرات طنسی مجلس شورای اسلامی و متن نوشته جناب رئیس جمهور و خواهشمند است رسیدگی فرمائید و برای روشن شدن افکار مردم مسلمان ایران نظر خود تسان را ابراز دارید.

اکبرهاشمی رفسنجانی

۲۴  
۱۳۶۰ / ۱ / ۲۴

کاشانی، ناراحت بود. سخنرانی ایشان را در قزوین - که مورد اعتراضشان بود - آورده بود.

پنجشنبه ۱۳ فروردین

۲۶ جمادی الاول - ۲ آوریل

دیشب برف فراوانی آمده و درختها کاملاً پوشیده از برف شده و هوا هم سرد است. خدا کند که سرما نزده باشد، احتمال سرما زدن سر درختها هست. اگر سرمازده باشد، در این شرایط، مشکل عظیمی برای کشور و دولت فراهم می‌آورد. من به خاطر ندارم که در سیزده فروردین، چنین برفی آمده باشد.

دیروز در تایلند معاون فرمانده کل قوا علیه نخست وزیر و فرمانده کل قوا کودتا کرده و امروز صبح خبرها حاکی از مقاومت نخست وزیر است<sup>۱</sup>. ماهیت کودتا هنوز برایم معلوم نیست.

ساعت نه صبح به زیارت امام رفتم. چیزهایی که در ارتباط با جنگ و هیأت صلح می‌دانستم، گفتم. امام ضمن اینکه مایلند، جنگ زودتر تمام شود، صلاح نمی‌دانند که ما کوتاه بیایم و از اینکه شرط شود، بعد از صلح نباید به ملت عراق، علیه صدام کمک کنیم، نگرانند؛ اگر این مضمون بخواهد در قرارداد بیاید، نگرانی دارند، مخصوصاً با توجه به انتظارات مردم عراق.

امام با انتخاب آقای محمد یزدی از طرف ما در هیأت حکمیت موافق بودند. با آقای موسوی اردبیلی، تلفنی صحبت کردم. گفتند امام جازم‌اند که آقای بنی صدر باید دفترشان را تصفیه کنند و با گروههای ضدانقلاب، علناً و صراحتاً باید مخالفت کنند و اجازه تعقیب مسئولان چهارده اسفند، ولورئیس جمهور را داده‌اند و تأکید داشتند که هیأت حکمیت، سریعاً عمل کند.

ظهر، برای ملاقات خانواده‌های شهدای خوزستانی به هتل استقلال رفتم. نماز جماعت با آنان خواندم و ناهار با آنها خوردم و برایشان سخنرانی کوتاهی کردم؛ خیلی گرم و پرشورند. با آقای رجائی هم تلفنی صحبت کردم. قرار شد آقای یزدی را به عنوان نماینده اعلام کنیم. اعلام شد. شب خانواده شهید علم‌الهدی اهوازی، مهمان عفت بودند و شب را خوابیدند.

۱ - ژنرال سانت معاون فرمانده کل قوای تایلند در روز اول مارس ۱۹۸۱ علیه نخست وزیر کودتا کرد و این کودتا پس از سه روز درگیری حویس به شکست انجامید.

از خانه شهید مطهری تلفن کردند که تلفنی تهدید شده‌اند. یکی از پاسداران خودم را برای محافظت، به خانه آنها فرستادم.

احمد آقا خمینی، تلفن کرد و گفت، امام می‌گویند، گویا قطب زاده<sup>۱</sup> وضع مالی بدی دارد، فکری شود و احمد آقا پیشنهاد می‌کرد، شغلی به ایشان محول شود. ولی اطلاع می‌گوید، ایشان دفتری دارد و سکرتر لوکس و مخارج دفترش زیاد است؛ از کجا می‌آورد؟!

جمعه ۱۴ فروردین

۲۷ جمادی الاول - ۳ آوریل

امروز صبح، خبر شکست کودتای تایلند داده شد. در لبنان صهیونیستها و امپریالیسم و احزاب اکتائب شرارت کرده‌اند و جمع زیادی از مردم کشته و زخمی شده‌اند.<sup>۲</sup> ساعت نه صبح به منزل آقای بهشتی رفتم. مسئولان وزارت کشاورزی، برنامه و بودجه، جهادسازندگی و نخست‌وزیر جمع بودند. در خصوص هماهنگ کردن کار جهاد و وزارت کشاورزی بحث بود. بناست در روستاها «مراکز خدمات» ایجاد شود که کم‌کم قسمت عمده وزارت کشاورزی از مرکز به روستاها منتقل شود. با کار جهاد، تداخل دارند. راه حل موقتی پیدا شد. قرار شد شوراهای روستا، توسط جهاد ایجاد و هدایت شوند و مجری جهادی طرحهای کشاورزی هم باشند.

همراه آقای رجائی به نماز جمعه رفتیم. جمعیت فوق‌العاده‌ای بود، در خیابان طالقانی هم تا میدان فلسطین نشسته بودند. با آقای رجائی در راه بحث کردیم. قرار شد تعطیل سفارتخانه‌های کم‌اثر، با فعال و اصلاح کردن سایر سفارتخانه‌ها همراه باشد و تلاش شود تا آخر هفته، چند کار مؤثر درباره وزارت خارجه، اعلان شود. گفتند، بناست بخشنامه کنیم که تمام عکسها در ادارات، به جز عکس امام، جمع شود و نماز جماعت بخوانند و خانمها حجاب را مراعات کنند.

۱ - صادق قطب زاده در اوائل انقلاب، گویا عضو شورای انقلاب هم بوده، همچنین پست وزارت امور خارجه را نیز داشته است. وی در زمان حضور حضرت امام در پاریس با استفاده از سوابق و امکانات مبارزان خارج از کشور، برای نشر افکار امام تلاش می‌کرد. قطب زاده بعدها به اتهام طرح کودتا بر علیه نظام جمهوری اسلامی با همکاری عده‌ای از نزدیکان آقای شریعتمداری، محاکمه و به اعدام محکوم شد.

۲ - حزب اکتائب وابسته به فالاترزیستهای لبنان است. این حزب در فروردین سال ۶۰ به همراه نیروهای دولتی ارتش لبنان و حمایت ارتش اسرائیل با ارتش آزادیبخش فلسطین در بیروت درگیر شدند، در این درگیریها ۶۹ نفر کشته و ۲۳۶ نفر زخمی شدند.



حاج سید احمد خمینی - اکبر ہاشمی رفسنجانی - محمد ناقر حکیم - سید صادق حکیم - محمد علی رحمانی





عصر آقای محمد هاشمی از رفسنجان آمد. درباره محدودیتهای بیجای بازرگانی، مثل ممنوعیت ورود پمپ شناور و برنج حرف داشت. تا حدی صحیح است. باید فردا با وزارت بازرگانی تماس بگیرم.

چند نفر آواره عراقی و خوزستانی هم آمدند و مشکلی داشتند، امید است رفع شود. آقای خامنه‌ای هم آمدند و درباره وضع جنگ و هیأت صلح و مطالب جاری، بحثهای مفیدی داشتیم.

اعلامیه تعیین نماینده در هیأت اختلافات را تهیه کردم و به صداوسیما دادم<sup>۱</sup>.

شنبه ۱۵ فروردین

۲۸ جمادی الاول - ۲ آوریل

ساعت هشت به مجلس رفتم. گزارشها را مطالعه کردم. چند نفر از سفرای بازنشسته سابق آمدند و از لایحه بازسازی که سفرای سابق را محکوم به انفصال کرده، شکایت داشتند. قرار شد به کمیسیون، تذکر دهم و شکایتی تقدیم داشتند.

آقای اسداله بیات از نیاز زنجان به امام جمعه و روحانی متشخص و مبارز صحبت کرد. از اقدامات منفی دو نماینده زنجان، وضع خانواده موسوی، انقلابی و درخط بودن ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی و سخنرانی کج مهندس امهدی بازرگان در روز دوازده فروردین سخن گفت.

آقای خواجوی پیشنهاد قانون سلب صلاحیت نمایندگان مجلس را آورد. به کمیسیون آئین نامه فرستادم.

بعد از ظهر دو نفر از طلاب تبریز آمدند؛ راجع به محتوای درسهای طلبگی مشورت داشتند. سپس بهادران، فرماندار زرین شهر و مهندس حافظیان آمدند. از حسن جریان کارخانجات منطقه لنجان، ذوب آهن، سیمان، از کار شکنی‌های گروهکها و از نیاز به کمک کردهای [هوادار] محمود عثمان عراقی، سخن گفتند.

مسئولان روزنامه آزادگان - که تعطیل شده - آمدند؛ برای رفع مشکل، کمک می‌خواستند. قرار شد با آقای کریمی رئیس بنیاد مستضعفان، درباره اعطای امکان چاپ در چاپخانه متعلق

۱ - در این اعلامیه، آیت‌الله محمد یزدی از طرف آقایان بهشتی، هاشمی و روحانی به عنوان نماینده در هیأت حل اختلاف معرفی گردید.

به بنیاد، مذاکره کنم.

گزارشهایی از وضع اردوگاه آوارگان جنگ در بوشهر و همدان خواندم و جواب تبریکهای عید نوروز تهیه شد. خبر حمله هواپیماهای ما به عمق خاک عراق و انهدام چهار پایگاه هوایی با سروصدا پخش شد. امید است که مؤثر باشد.

یکشنبه ۱۶ فروردین

۲۹ جمادی الاول - ۵ آوریل

امروز اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در سال جدید تشکیل شد. دودوازدهم بودجه مطرح بود. پنج ساعت وقت صرف کردیم. موافقتها و مخالفنها صحبت کردند. بحث ادامه دارد. اکثر صحبتها سیاسی بود و کمتر مربوط به بودجه و مخصوصاً دودوازدهم. در تنفس ظهر، آقای خامنه‌ای در مورد شرح مذاکراتش با امام و مطالبی که در ملاقات فردا می‌خواهند با امام مطرح کنند، صحبت کردند. از مخالفت دفتر امام با ملاقات روز جمعه و حتی عدم اعلان آن در اخبار گفتند. بعد از ظهر با آقای رجائی، تلفنی صحبت کردم و راجع به تسریع آوردن بودجه سالانه به مجلس تأکید کردم. به آقای محمد رضا مهدوی کنی وزیر کشور تلفن کردم و راجع به آوردن لایحه تمدید وقت قانون انتخابات و لغو دو مرحله‌ای انتخابات، صحبت شد. با آقای کریمی رئیس بنیاد مستضعفان، درباره روزنامه صبح آزادگان، و با آقای مهندس (محمد رضا نعمت زاده) وزیر صنایع درباره تقاضای حاج کاظم حاج طرخانی در مورد شرکت بستان ایران تلفنی صحبت کردم. به خاطر خستگی در جلسه شورای حزب و جلسه مشترک نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی حزب جمهوری اسلامی شرکت نکردم و زودتر به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۷ فروردین

۱ جمادی الثانی - ۶ آوریل

اول صبح برای ادامه کار مجلس، در موضوع دودوازدهم بودجه، به مجلس رفتم. در موضوع بودجه، مهندس عزت‌اله اسحایی<sup>۱</sup>، فواد کریمی<sup>۲</sup> و دیگران صحبت کردند. مطالبی که

۱ - نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی.

۲ - نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی.

درباره بودجه کاخ ریاست جمهوری - شانزده میلیون تومان برای اصلاح ساختمان، بودجه عظیم اداری و بودجه سری ریاست جمهوری - گفتند، مؤثر واقع شد.

آقای خامنه‌ای عازم کردستان شدند. از فرودگاه سندی فرستادند در مورد اظهارات آقای بنی صدر در خدمت امام، در جواب اعتراض امام به عدم واگذاری توپ یکصد و هفتاد و پنج به آبادان<sup>۱</sup>. (این اسناد در اصل شکایت سرهنگ شکرریز فرمانده واحد مستقر در آبادان است). آقای بنی صدر گفته بودند که از این توپها کم داریم و گلوله‌های آن هر یک ده هزار دلار است و دلار را هم به نرخ آزاد بیست تومان حساب کرده بودند که قیمت هر گلوله دویست هزار تومان می‌شد.

این سند می‌گوید سی و هفت اراده توپ و گلوله زیاد در انبار داریم و قیمت هر گلوله هشتصد و پنجاه دلار است. گزارشی از مرز ترکیه با ایران، توسط اکامل عابدین زاده [نماینده خوی رسید که نقل و انتقالات مشکوکی در آنجا دیده می‌شود. نسخه‌ای از آن را برای امام فرستادم.

آقای حسین احسینی [واعظ رامیانی] نماینده مینودشت [رامیان] که پای پسر سربازش قطع شده بود، برای انتقال ایشان از ارومیه می‌خواستند از هواپیماهای ارتشی استفاده کنند که تماس برقرار شد. آقای محمد مجتهد شبستری آمد و بیش از یک ساعت درباره ماهیت اختلاف ما (خط امام) با لیبرالها (آقای بنی صدر و نهضت آزادی و...) توضیحاتی می‌خواست و گفتیم، مسأله بر سر «اسلام فقه‌ای» است. آنها این فقه را قبول ندارند و ما راهی در حکومت اسلامی جز با اجرای همین فقه (با کار بیشتر و اجتهاد زنده) نمی‌بینیم و نمونه‌های زیادی آوردم که این در حقیقت، خواست امام است و ما سیر شده‌ایم.

قرار بود، در جلسه شورای عالی قضائی شرکت کنم، رفتم کسی نبود، به خانه آمدم. [مرا به] این جلسه، آقای محمد علی امجدی کرمانی دعوت کرده بودند که درباره وضع روحانیون ناصالح بحث و تصمیم‌گیری شود.

۱ - نوبتهای ۱۷۵ از مؤلفانین سلاجهای تهاجمی در دوران دواع مقدس بود و در جبهه آبادان بیروها به این سلاح نیاز داشتند و حیا ییگری هم کرده و بی صدر اجازه استفاده از آنها را می داد. دوربرد بود توپ ۱۷۵ از امتیازات این توپ است.

سه شنبه ۱۸ فروردین

۲ جمادی الثانی - ۷ آوریل

جلسه علنی مجلس، کار تصویب دودوازدهم بودجه را تمام کرد. به علت طولانی شدن بحثها، نمایندگان خسته شده بودند و اداره مجلس مشکل بود، به خاطر نصاب شکننده، مجلس مکرراً از رسمیت می افتاد.

تصویب تبصره‌ای در لغو مصرف کردن بقیه یکصد و شصت میلیون ریال در تعمیر کاخ رئیس جمهور (باشگاه سابق افسران) جالب بود، ولی تبصره را شورای نگهبان به دلیل اینکه برای ادامه کار بودجه‌ای در نظر گرفته نشده، لغو کرد. تبصره‌ای هم مبنی بر حذف بودجه‌های سری، تصویب شد. (در هیأت رئیسه در خصوص اینکه شورای نگهبان حق مخالفت با چنین مواردی را دارد یا نه، بحث و تردید جدی بود، به خاطر نیاز دولت به این مصوبه، بحث را به آینده موکول کردیم.)

شب در نخست وزیری با حضور آقایان بهشتی، باهنر، رجائی و بهزادنبوی، درباره مسائل مهم کشور، جنگ و صلح، وزارت خارجه، بسیج اقتصادی و آموزش و پرورش جلسه مشورتی داشتیم. دیر وقت به خانه آمدم و تازه عفت از کمبودها و غلط کاریهای بعضی از مسئولان در کرج و رفسنجان، از قول شخصی، مطالبی داشت که چون مغرضانه گفته بودند، ناراحت کننده بود.

چهارشنبه ۱۹ فروردین

۳ جمادی الثانی - ۸ آوریل

صبح زود، عفت در ادامه حرفهای شب گذشته، جروبحث داشت. با عصبانیت از خانه بیرون رفتم. مشکل اینجاست که به انقلاب علاقه مند است و روزها در ملاقاتها و برخوردهایش - که از کمبودهای کشور انتقاد می شود و خوب نمی تواند دفاع کند - ناراحت می شود و لحظات کوتاهی که من به خانه می آیم، این گونه مطالب را که رنجش می دهد، می خواهد با من طرح کند و ناراحتی ایجاد می شود. امروز در مجلس بی حوصله و کم تحمل بودم.

کار مجلس، امروز به دلیل نقص کار کمیسیون، در دعوت از پیشنهاد دهندگان و نقص طرح دوم از لحاظ عدم پیش بینی بودجه اجرای طرح، مشکل بود.

بعد از جلسه آقای فرج الله واعظی نماینده ابهر، آقای مجتبی گلگیر ساز را آورد و از عدم

همکاری سپاه گله داشت. این فرد [مجتبی گلگیرساز] چند روز قبل خودش را معرفی کرد که عضو گروه تروریستی به نام «فدائیان امام زمان» است که مأمور ترور من بوده. او را به سپاه معرفی کردم، ولی تاکنون در معرفی گروه پیشرفتی [حاصل] نشده است. ایشان را با مأموران سپاه مواجه کردم. به نظرشان آدم صادقی نیست. قرار شد تعقیبش کنند تا مطلب روشن شود. شب مسئولان سپاه و اطلاعات به خانه آمدند و اطلاعاتی از عملکرد ضدانقلاب دادند و از مأموریت آقای اشراقی در تأمین کردها و نیز در رابطه با افکار آقای بنی صدر و نهضت آزادی و از حرکت‌های ضدانقلابی در بعضی محافل روحانیت و از مشکلات فرماندهی سپاه در رابطه با فرماندهی [کل نیروهای مسلح] آقای بنی صدر نگران بودند.

پنجشنبه ۲۰ فروردین

۲ جمادی الثانی - ۹ آوریل

نزدیک ساعت ۹ صبح به مجلس رفتم. پس از مطالعه گزارشها، آقای حیدری نماینده بوشهر آمد و از نابسامانیهای شرکت نفت در جزیره خارک گفت، وضع وزارت نفت خوب نیست، وزیرمان [مجید تندگویان] و معاونش مهندس بوشهری اسیر عراق است، بعضی مدیران تحت تأثیر مهندس اعلی اکبر [معین فر] خیلی با دولت آقای رجائی انسجام ندارند. باید فکری کرد.

سپس آقای اعلی اکبر [ناطق نوری آمد و قصد استعفای از جهاد سازندگی داشت که با مذاکره منصرف شد. از تصادف خطرناکی که در جاده رفسنجان - یزد داشته تعریف کرد، الحمدالله به خیر گذشته. از روحیه سمینار دانشجویان و دانش آموزان اسلامی کرمان هم خیلی تعریف می کرد و از بی انسجامی حزب جمهوری اسلامی گله داشت. حق با ایشان است، حزب جمهوری اسلامی هنوز شکل و عمل حزب واقعی را به خود نگرفته است.

مصاحبه‌ای با تلویزیون در مورد آقای سید محمد باقر صدر کردم<sup>۱</sup>. سپس ملاقاتی با سفیر ایتالیا - که خواستار توسعه روابط اقتصادی بود - [انجام دادم] از اینکه بعد از انقلاب شرکت‌های ایتالیائی کارهایی در ایران انجام داده‌اند، تشکر کردم و از اینکه هلیکوپترهای شنوک ما را

۱. اعلی اکبر معین فر وزیر نفت دولت موقت و عضو کمیسیون نفت دوره اول مجلس.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

تحويل نداده‌اند، انتقاد کردم. گفت مسأله حل شده است<sup>۱</sup>. بعد از ظهر نمایندگان جهاد دانشگاهی آمدند و از خبر باز شدن دانشگاهها در این سال، نگران بودند. می‌گفتند هنوز برنامه درستی برای دانشگاهها تنظیم نشده است و از کم کاری ستاد انقلاب فرهنگی ناراحت بودند. پیشنهادهایی هم داشتند که قرار شد تنظیم کنند و بدهند، من هم قول رسیدگی دادم.

سپس آقای گل‌سرخ‌ی کاشانی آمد. اقرار به اشتباه از موضع‌گیری گذشته خود، در رابطه با آقای شریعتمداری و حزب خلق مسلمان<sup>۲</sup> داشت. مشکلاتی در کار مرغداری و طرح پرورش ماهی داشت که به ایشان کمک کردم.

به مرکز پاسداران منزل امام رفتم، با آنها نماز خواندم و سخنرانی کردم<sup>۳</sup> و مطالبی درباره توپ یک‌صد و هفتاد و پنج و مرز ترکیه به خدمت امام فرستادم و شب را در منزل آقای بهشتی، مهمان بودیم.

جمعه ۲۱ فروردین

۵ جمادی الثانی - ۱۰ آوریل

صبح اول وقت، آقای محسن طباطبائی آمد. از اینکه یک بازرس دارائی به خاطر معاملهای در سال پنجاه و شش، ایراد مالیاتی به ایشان گرفته و مبلغی از ایشان مطالبه می‌کنند، شکایت داشت.

سپس دکتر محمد علی امین آمد. از آقای صادق‌یان فرماندار کرج، که به دست و پای پولداران می‌پیچید، شکایت داشت و از اینکه دادگاه انقلاب پرونده آقای فاتح پدرزن مرحوم ایشان را مطرح کرده، ناراحت بود و چون ادعا کرد که درختهای سیب باغ شاهپور غلامرضا را بریده‌اند، قرار شد، فردا من از مجلس کسی را برای تحقیق بفرستم.

آقایان خلیلی و مصطفی میرخانی از هواداران یا اعضاء جنبش مسلمانان مبارز - امت - آمدند و خیلی صحبت کردند. غرضشان این بود که به امتی‌ها اعتماد کنیم و آنها را بکار بگیریم

۱ - هلیکوپترهای شنوک تاکنون تحويل نشده است.

۲ - حزبی بود که در مقابل حزب جمهوری اسلامی توسط هواداران آقای شریعتمداری تشکیل شد. اوج فعالیت این حزب در اشغال سه روزه مرکز صداوسیما تیریر بود.

۳ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰ - زیر نظر محسن هاشمی - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

و پیشنهاد جلسه مشترکی با دکتر احیاب‌الله ایمان داشتند. نگران حرکت لیبرالها بودند و یا آن را بهانه‌تصمیم همکاری کرده بودند.

مهندس حسین سالاری آمد و مطالبی راجع به نواقص و کم‌کاریهای وزارت نفت داشت که قرار شد، تعقیب کنم. بعد از ظهر در بیمارستان ولی عصر - اختصاصی سپاه - از مجروحان جنگ عیادت کردم. یک‌دست از طیب و پرستار و مریض، سپاهی و بسیجی بودند. روحیه‌ها و عملکردها خیلی خوب است؛ ای کاش عملکرد همه بیمارستانها چنین بود.

سپس به منزل بچه‌های مرحوم اخوی حاج قاسم رفتم، مدت‌ها بود که فرصت رفتن به خانه آنها را نکرده بودم، بچه‌ها خیلی خوشحال شدند و نزدیک ساعت دوازده به خانه برگشتم.

شنبه ۲۲ فروردین

۶ جمادی الثانی - ۱۱ آوریل

جلسه علنی نداشتیم. ساعت نه صبح تا دوازده ونیم در کمیسیون آئین‌نامه شرکت کردم. روزه داشتم و وقت ناهار صرفه‌جوئی شد.

پاکتی آوردند که در آن یک صورت حساب جعلی به عنوان حساب من، در یکی از بانکهای اروپا بود که مبلغ کلانی موجودی نشان می‌داد. خوشبختانه من در خارج از کشور ابداً و اصلاً حساب بانکی و غیربانکی ندارم. ظاهراً این جعل، توطئه‌ای برای بدنام کردن روحانیون مسئول است. خوشبختانه جاعل، فامیل واقعی من را نمی‌دانسته و به اسم مشهور من جعل کرده است. باید تحقیق کنیم و به موقع توطئه افشا شود. راستی که ضدانقلاب چه بی وجدان و بی اخلاق است!

مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران [پیام انقلاب] درباره شخصیت شهید مطهری کردم.<sup>۱</sup> افطار را در مجلس بودم و شب را هم در مجلس ماندم. خسته بودم؛ زود خوابیدم تا تلافی خستگی شود.

یکشنبه ۲۳ فروردین

۷ جمادی الثانی - ۱۲ آوریل

از صبح اول وقت، سرکار بودم. ساعت ۷ صبح جلسه هیأت رئیسه و ساعت هفت ونیم

۱ - در سند جعل شده از نام علی اکبر هاشمی رفسنجانی استفاده شده بود، در حالی نام شش‌نامه‌ای ایشان میرزا این است. بر توطئه در این فروردین توسط ایشان افشا شد. ۲ - کتاب: هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

رئیس مجلس خواستار شناسایی جاعلان این سند شد.

## رفسنجانی: من هیچوقت در خارج از کشور

### حساب بانکی نداستم

وی همچنین از مردم خواست که در مقابل رویه‌های گوناگون دشمنان برای ضرب‌زدن به انقلاب هوشیاری خود را حفظ کنند.

خواستہ شود کہ به همین بانک که در لین ور قده آن اشاره شدہ بر اجمه و سی کنند جاعل سند ہما شود .

این ورقہ اینقدر کار میکرده کہ از شهرت « معروف » من استفادہ کردند و نام و مشخصات دقیق من را نمی‌دانستند .

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین تاکید کرد باید از مسئولان سفارت ایران در سوئیس

در پی انتشار سندی صریح داشتن حایمی از سوی مجتہ الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در یکی از بانک های خارج از کشور، وی در گفت و گونی ضمن تکذیب این مساعه خواستار شناسایی عاملان جعل این سند شد.

وی گفت: قاعدتا این يك

توطئهای است برای همین منظورها، اما آنچه که باید گفت این است که من بطور کلی در خارج از کشور هیچ وقت حساب بانکی نداشتن و ندارم و من در همین مساجد کوتاه اعلام می‌کنم هر جایی در هر بانکی که در خارج از کشور دارم پولش (اگر هست) بماند بملوی خود بانکها و مال خود آنها.

وی افزود: اینگونه توطئه ها با وجود نوبسودنش شکست خورد اما یعنی ایندفعه به این شکل درست کردند و دفعه قبل « ورقه» لیرا در این رابطه درست کرده بودند. حتی اینها در تهیه



Ziraat Bank

Kopie	
211-000-(24)	
KOPIE	
PAYE	
Handwritten signature	



جلسه علنی داشتیم. بعد از جلسه مراجعان آمدند.

یکی از مراجعان از قضاوت آقای شیخ محمد هاشمیان در رفسنجان شکایتی داشت. از کارگران پالایشگاه تهران هم فردی آمد و از خطر توطئه گران در آنجا تذکرانی داد. بعد از ظهر، دکتر هادی آمد و خواستار جزوه محرمانه خبرگزاری پارس بود. عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. آقای بهشتی شرحی از ملاقاتشان با امام دادند و آقای خامنه‌ای هم در مجلس از ملاقات خودشان تعریف کردند. از مجموع گزارشها چنین بدست می‌آید که امام به خطر لبرالها و خط آنها در ارتش توجه کرده‌اند و به فکر چاره افتاده‌اند.

در باره انقلاب فرهنگی و سرنوشت دانشگاهها، بحث مفصلی کردیم. اطلاع یافتیم که حاج احمد آقا خمینی، مصاحبه مطبوعاتی انجام داده و برخلاف مصاحبه‌های گذشته، ایشان با خط امام نسبتاً هماهنگی نشان داده و موضع‌گیری حسین آقا اخوی زاده‌اش را محکوم کرده و توضیحی از معنای خط سوم [داده است].

شب در جلسه مشترک نمایندگان و مسئولان اجرایی حزب جمهوری اسلامی، شرکت کردم. وزیر بازرگانی - آقای کاظم پور اردبیلی - حرفهای خوبی زد. مسأله دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح بود. شب در خانه، یکی از کارکنان سایت بهشهر آمد و گزارشی داد.

دوشنبه ۲۴ فروردین

۸ جمادی الثانی - ۱۳ آوریل

صبح زود، خانم دکتر منصوریان - که اموال شوهرش توقیف شده و در پاریس است - آمده بود و کمک می‌خواست که مشکل رفع شود. دادگاه تجدید نظرش مانده است.

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. آقای محمد مهدی کرمی نماینده دشت آزادگان درباره نیازهای جنگ‌زدگان و مشکلات تذکره ایرانیان مقیم کویت مطالبی داشت. آقایان قاسمی و کریمی<sup>۱</sup> نمایندگان ساری و نوشهر آمدند و راجع به مشکلات منطقه مطالبی بیان داشتند که

۱ - سایت بهشهر مکاشف بود که آمریکائی‌ها برای کنترل و حاسوسی اتحاد جماهیر شوروی در شمال ایران درست کرده بودند. پس از پیروزی انقلاب، آمریکائی‌ها فرصتی پیدا نکردند تا این سایت را به طور کامل از کار اندازند.

۲ - حجت‌الاسلام عمادالدین کریمی بیژنی‌نژاد و حجت‌الاسلام عبدالوهاب قاسمی نمایندگان مردم نوشهر و ساری در مجلس شورای اسلامی بودند. این دو عزیز در واقعه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و در قم مدفون شدند.

ارتباطشان را با وزیر کشاورزی برقرار کردم.

با آقای [علی] قدوسی<sup>۱</sup> در مورد تعویض دادستان قم و پرونده [حسن] بهروزیه صحبت کردم. قرار شد آقای بهروزیه به جای اجرای حکم بازداشت، خودشان به دادستانی مراجعه کنند. ایشان متهم به تقلب‌اند و هنوز اعتبارنامه‌اش تصویب نشده است. [آقای قدوسی] گفتند، با خواست امام تصمیم گرفته‌اند دادستان قم را عوض کنند.

دو ساعت کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. بعد از ظهر مصاحبه مطبوعاتی داشتم<sup>۲</sup> و سپس با نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که طرحی برای انقلاب فرهنگی آورده بودند و به کم‌کاری ستاد انقلاب فرهنگی و برداشت ناقص آنها از انقلاب فرهنگی انتقاد داشتند، [ملاقات کردم].

چند نفر از پرسنل شهربانی آمدند و به کارهای سرهنگ وحید [دستجردی]، رئیس جدید شهربانی، معترض بودند، ولی منطقی درستی نداشتند.

اول شب، در مجلس صدای توپهای ضدهوایی بلند شد، ولی بعداً گفتند که حمله‌ای نبوده و بی‌جهت توپها را شلیک کرده‌اند.

سه شنبه ۲۵ فروردین

۹ جمادی الثانی - ۱۴ آوریل

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و دو فوریت اصلاح قانون انتخابات؛ مرحله اول انتخاباتی که کاندیداهایش به مجلس نرسیده بودند، به خاطر اشکالات [موجود] در ادامه آن انتخابات باطل شد.

بعد از ظهر به جلسه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی رفتم. مسائل مهمی مطرح بود؛ موضع‌گیری در مقابل کارشکنی لیبرالها، تحلیل مصاحبه حاج احمد آقا خمینی و تغییر موضع به نفع خط امام، انتخابات و مسافرت به شرق به دعوت کره شمالی.

شب در نخست وزیری، جلسه مشورتی هفتگی با آقایان بهشتی، خامنه‌ای و باهنر داشتیم؛ در این جلسه خط کلی دولتی کردن بازرگانی خارجی و اتاق بازرگانی و استفاده از نیروهای نزدیک به خط امام مطرح شد. حکم آقای [محمد] یزدی را به عنوان نماینده ما در هیأت

بررسی اختلاف نوشتیم. خبری از پیروزی در جنگ در شوش داشتیم و موضوع کلاه برداری پنجاه و شش میلیون دلاری در رابطه با خرید اسلحه مطرح گردید که از وزارت دفاع کسب اطلاع شد، معلوم شد صحت دارد، ولی اموال شرکت کلاه بردار و همین پولها را در بانک توقیف کرده اند؛ البته به ادعای آقای اجواد افکوری وزیر دفاع. بنا شد گزارش کاملی بدهند. خبرهایی از تحرک ضدانقلاب در امور تخریبی در کردستان رسیده بود که از سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی استوال شد؛ معلوم شد گزارشها اغراق آمیز است. بیش از صد نفر از نمایندگان طی نامه‌ای، قاطعیت دستگاه قضائی در برخورد با ضدانقلاب و لیبرالها را تأیید کردند.

چهارشنبه ۲۶ فروردین

۱۰ جمادی الثانی - ۱۵ آوریل

جلسه علنی برگزار شد و مقدمات انجام کار انتخابات میان دوره‌ای، کامل گردید. تکمیل مجلس ضرورت دارد، باید وزارت کشور سرعت به خرج دهد. عده‌ای از نمایندگان استان گیلان - آقایان رضائی، یوسفی، ناصری، انصاری و فرض پور - با وقت قبلی آمدند و مطالبی [بیان] داشتند که مهمترین آنها تعدیل شیوه برخورد با ضدانقلاب از قبیل مجاهدین خلق و... و عدم سخت‌گیری نسبت به آنان، دادن امکانات بیشتر به وفاداران به جمهوری اسلامی ولی مخالفان دولت، مثل پیمانی‌ها و مخالفان در مجلس، لیبرالها و نهضت آزادی بود. خواهان تعویض مسئول سپاه، دادستان انقلاب و استاندار گیلان بودند. به آنها گفتم ضدانقلاب سیاستش این است که تشنج ایجاد کند و برخورد به وجود بیاورد، در هر مرحله به آنها امتیاز بدهیم، قدمی جلوتر می‌گذارند و برخورد به وجود می‌آورند. اقلیت اگر می‌خواهد از همه امکانات اکثریت، در ادارات و مؤسسات و امکانات تبلیغی برخوردار باشد، باید ملزم شود که از این امکانات، علیه اکثریت حاکم استفاده نکند و روش اقلیت فعلاً این است که در دستاوردهای انقلاب، خودش را شریک و سهم معرفی کند و کمبودها را به حساب اکثریت گذارد و خودش را در موضع منتقد و طلبکار معرفی کند و اقلیت می‌خواهد از امکانات اکثریت برای همین منظور استفاده کند. قرار شد بحث، بیشتر شود و حد و مرزی برای حقوق معین گردد.

طلبه‌ای اهل نیجریه که در قم تحصیل کرده و آماده برگشت به نیجریه است، آمد. پیشنهاد

کمک ایران برای تبلیغ شیعه و انقلاب ایران، در نیجریه داشت. قرار شد، با دفتر هماهنگی تبلیغات (اسلامی) ارتباط برقرار کند.

بعد جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته آینده مجلس تنظیم شد. آقای مخلصی، داماد آیت الله طالقانی آمد. ایشان را وزیر صنایع از کار برکنار کرده است، قرار شد رسیدگی کنم. شب در جلسه واحد روحانیت حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. آقای بهشتی سخنرانی کردند و من جواب سئوالات آقایان را دادم. مخالفت روحانیون ارتجاعی با انقلاب و تحریکات در رابطه با شیعه و سنی و مخالفت آقای مفتی زاده، بررسی شد. وضعیت فرمز اعلام شد ولی زود وضعیت عادی شد و خبری نبود.

پنجشنبه ۲۷ فروردین

۱۱ جمادی الثانی - ۱۶ آوریل

ساعت هشت صبح به مجلس شورا رفتم. پس از بررسی گزارشات، آقای لطیف صفری، نماینده اسلام آباد غرب به دفترم آمد و مطالب زیادی از آنجا گفت. هدف اصلی اش گلایه از این بود که مسئولان برای کارهای منطقه از بومیان استفاده نمی کنند. این مطلب را بلوچستانی ها و بختیاری ها و... هم می گویند؛ ضدانقلاب هم روی آن کار می کند. سپس مصاحبه ای با مجله کیهان ورزشی داشتم<sup>۱</sup>. آنها هم احساس می کنند که جمهوری اسلامی، توجه لازم را به ورزش نکرده است. آقای محمدی خمینی، هم مباحثه ای من در قم - که قاضی بوده است و بازنشسته اش کرده اند - آمد و شکایت داشت. مرد خوبی است؛ باید به قضا برگردد.

رؤسای آموزش و پرورش همه نواحی تهران آمدند و تأکید داشتند که در تصویب لایحه بازسازی و احزاب تسریع کنیم که بتوانند در مدارس با ضدانقلاب مبارزه کنند. بعد از ظهر، مصاحبه ای با مجله راه زینب و متصدیان نمایشگاه انقلاب، به مناسبت سالروز شهادت مطهری داشتم<sup>۲</sup>.

سپس آقای علی اسلامی (پهلوی) فرزند شاهپور علیرضا (پهلوی) همراه نماینده مینودشت آقای حسینی، آمد. در آن زمان از خانواده پهلوی بریده است. ظاهراً مسلمان خوبی شده.

حرفهایش جالب بود. مالک سه روستا در ترکمن صحرا با ششصد هکتار زمین است که به اظهار خودش و آقای حسینی، کشاورزان از او راضیید و طالبند که به محل برود. بعد از انقلاب به محل نرفته و روستائیان سهمی به او پرداخته‌اند. کمی نگران بود و می‌گفت می‌خواهم درسم را تمام کنم و با کار شخصی زندگیم را اداره کنم. تازه از پاریس برگشته. مادرش در پاریس است. اجازه می‌خواست به منطقه برود؛ گفتم مانعی ندارد.

شب در مدرسه شهید مطهری به دعوت شورای عالی تبلیغات اسلامی جلسه داشتیم. آقایان مشکینی، خامنه‌ای، مهدوی کنی، باهنر، بهشتی، معادینخواه، امامی کاشانی و حقانی حضور داشتند. برای اینکه درسهایی در توضیح معارف و مطالب مهم اسلامی با فیلم تهیه شود - که بشود همه را در اختیار علاقمندان گذاشت - موضوعهایی طرح شد و هر کسی موضوعی انتخاب کرد و من 'فلسفه تاریخ' را انتخاب کردم. اعتراضاتی به روش و کم کاری هیأت بررسی اختلافات داشتیم که به آقای مهدوی کنی اکتفا گفتیم.

جمعه ۲۸ فروردین

۱۲ جمادی الثانی - ۱۷ آوریل

صبح اول وقت، سرهنگ وحید دستجردی آمد و گزارشی از کار شهربانی و انتصابات جدید داد و من اعتراضاتی را که به ایشان می‌شود - مخصوصاً در مورد تعویض رئیس شهربانی کرج و رئیس آموزشگاه کرج و اینکه گاهی خط لیرالیم دیده می‌شود - مطرح کردم. ایشان دفاع‌هایی داشت که اکثراً قابل قبول بود. در مورد تلاش بیشتر برای تأمین امنیت تأکید کردم. ایشان خائف بود از شایعه‌ای که درباره ادغام شهربانی و ژاندارمری شنیده بود که من نشنیده بودم.

یک نفر مجروح جنگ آمد که اذان و اقامه در گوش نوزادش بخوانم و از نارضایتی در محیط شاهین‌دشت صحبت می‌کرد. خانمی از کارمندان ارتش آمد که شکایت از نامساعد بودن محیط اخلاقی برای کارکنان زن در اداره‌اش داشت.

احمدآقا مرعشی و بستگان دیگر آمدند و ناهار اینجا بودند و خواهان کمک دولت به پسته کاران رفسنجان بودند که به خاطر مزاحمتها و رقابت آمریکا و محاصره اقتصادی، صدور پسته کم نفع و یا بی نفع شده و از نابسامانی وضع قضائی شهر بابک، حرف می‌زدند. قدری در حیاط خانه، با بچه‌ها و پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم. آقای محمدیان، قاضی

شرح نیشابور هم آمد و از نماینده نیشابور، شکایت داشت.

شنبه ۲۹ فروردین

۱۳ جمادی الثانی - ۱۸ آوریل

کمیسیون آئین نامه داشتیم. ظهر به دفترم رفتم. پس از نماز، نمایندگان که از طرف مجلس به شیراز رفته بودند - برای بررسی علل درگیری خوزستانی ها و شیرازی ها - آمدند و گزارشی دادند. آقای محمد انصرااللهی نماینده آبادان گزارش تحلیل گونه ای داد.

در شیراز، الوات و اعضای گروه های فاسد، با توطئه، باعث ناراحتی مردم می شوند و گروه ها را تحریک می کنند که در همین رابطه، یک مسلمان متعبد که به سوء اخلاق چند مهاجر اعتراض می کند، در درگیری شهید می شود و سپس عکس العمل مردم، منجر به زخمی و بازداشت شدن جمع زیادی از طرفین می شود. اهمال مسئولان امنیتی هم از علل توسعه درگیریها است.

از اردوگاه اجنگزدگان ادر فسا و ضعف مدیریت هم گزارشی دادند. فرار شد مصاحبه کنند. خوب عمل کرده اند. بعد از ظهر مصاحبه ای با کیهان به مناسبت سالگرد شهید مطهری داشتم<sup>۱</sup> و بیانیه روز ارتش را تهیه کردم.

ساعت شش بعد از ظهر آقای مهندس امهدی بازارگان آمد. درباره اختلافات جاری و مشکلات موجود و جنگ و صلح و خیلی چیزهای دیگر، یک ساعت مذاکره کردیم. به ایشان گفتم تا ما قدرت تصمیم گیری و انتصاب داشتیم، سعی کردیم، آقایان را در صحنه داشته باشیم، حتی بعد از استعفای ایشان و تجدید شورای انقلاب. ولی بعد از تشکیل مجلس، ما دیگر تصمیم گیر نبودیم و نیروهای تندتر خط امام، حاضر نبودند که محافظه کاری کنند و لیبرالها را در پستهای کلیدی بپذیرند و فعلاً تنها دوره دولت انقلابی خط امامی هاست. نهادهای انقلابی و مجلس و شورای قضائی و حزب الله حکومت لیبرالها را تحمل نمی کنند. بهتر است آقایان اگر حسن نیت دارند، دست از تضعیف بردارند و همکاری کنند.

ایشان گفتند که نهضت آزادی در صدد اسقاط دولت و تشکیل دولت نیست، ولی من گفتم آقای بنی صدر در صدد است و شما از ایشان حمایت می کنید و ایشان جوابی نداشتند که

شماره : ۹۵  
تاریخ : ۱۳۲۰  
پوست : ۲۰۰



جمهوری اسلامی ایران  
هیئت سه نفری حل اختلاف

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب

حجه الاسلام آقای هاشمرفسنجانریزیدتوفیق‌العالی

محترماً " نامه مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۲ در ارتباط با روزنامه

انقلاب اسلامی مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۱ بررسی شد و چون تاریخ آن

قبل از رسمیت هیئت بوده ، نظر هیئت بر آن شد که برای

حفظ آرامش موضوع سکوت بماند . بدیهی است هیئت خود را

موظف میداند که پس از تاریخ رسمیت یافتن (۱۳۶۰/۱/۱۲)

بوظائف خود عمل نموده و درباره تغلفات اقدام جدی

معمول دارد .

شهاب‌الدین اشراقی

محمد رضا مهدوی کنی

محمد یزدی

محمد علی

۱۳۲۰

البتّه هیئت کم لطفی کرده زیرا اظهارات جناب بنی صدر بعد از فرمان امام بوده و نقض فرمان است  
حضرت بنی صدر به بزوات امام بوده و عقرب زحمت  
السلامه

بدهند.

یکشنبه ۳۰ فروردین

۱۲ جمادی الثانی - ۱۹ آوریل

ساعت هفت صبح در جلسه هیأت رئیسه شرکت کردم. هشت دقیقه دیر رسیدم و هشتاد تومان جریمه شدم. علت تأخیر این است که بچه‌ها را همراه می‌برم و به مدرسه و به محل کارشان می‌رسانم و چاره‌ای هم نیست. نمی‌شود با ماشین مستقل بروند و امنیت هم ندارند که همیشه با وسائل نقلیه عمومی بروند. بچه‌ها هم گرفتار مشکلات من شده‌اند.

بیشتر درباره کیفیت مطرح کردن شرکت در اتحادیه بین‌المجالس بحث کردیم. جلسه علنی داشتیم. در فرصت تنفس با آقای محمد یزدی، درباره کم‌کاری و ضعف عملی هیأت بررسی اختلافات بحث کردیم و اینکه وظیفه اصلی‌شان را که رسیدگی به کار روزنامه‌ها، مخصوصاً روزنامه «انقلاب اسلامی» - که به تشنج دامن می‌زند - انجام نمی‌دهند و پرونده گروگانها - که ربطی به آنها ندارد - وقتشان را می‌گیرد. ایشان تا حدودی قبول کرد و پذیرفت که اگر بخواهند به تخلفات احتمالی گذشته رسیدگی کنند، از مسائل روز غافل می‌مانند و مخالفان همین را می‌خواهند.

بعد از جلسه، دو نفر از روحانیون مازندران آمدند و شکایت روحانیت مازندران را از استاندار ابلاغ کردند. عصر، جلسه «گروه ملی» بود، حدود هشتاد نفر بودیم و انتخابات به عمل آمد و کار تمام شد و دو نفر برای شرکت در بین‌المجالس در مانیل، انتخاب شدند.

سپس، در شورای امرکزی | حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم، بحث درباره دولتی کردن تجارت خارجی بود که فقط مهندس طاهری موافق نبود.

شب، در جلسه مشترک مسئولان اجرایی و نمایندگان حزب شرکت کردم. دستور جلسه، انتقاد از حزب و روزنامه بود که تقریباً تمام انتقادات وارد بود و همه حاکی از ضعف تشکیلات و عدم انسجام و انضباط حزبی بود. آقای بهشتی قدری دفاع کردند و من هم انتقادهای را پذیرفتم، ولی گفتم اکثریت حضار، به وظایف حزبی عمل نمی‌کنند و فقط توقعات از ما چند نفر مؤسسان حزب است.





پرونده قتل که اتفاق افتاده، شکایت داشتند.

نمایندگان گروهی از کارکنان ما کروویو مازندران که به اتهام ارتباط با ضدانقلاب منتقل شده بودند، آمدند و شکایت داشتند. با وزیر پست و تلگراف و تلفن آقای دکتر قندی صحبت کردم. قرار شد رسیدگی نمایند.

پاسداری از مجلس برای عقد ازدواجش آمد که با آقای اسدالله ایبات عقد را خواندیم. با سی هزار تومان مهریه. آقای اسیدسجاد حاجبی نماینده میانه آمد و از فعالیتهای خرابکارانه حزب خلق مسلمان در آذربایجان، شکایت داشت و چاره می جست.

آقای رجائی نخست وزیر تلفن کردند و خبر آوردن لایحه بودجه به مجلس را دادند. قرار شد هفته بعد روز سه شنبه وزرا ناهار را در مجلس صرف کنند که با نمایندگان برای کارهای شهرستانها تماس داشته باشند.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

---

اردیبهشت ۱۳۶۰

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



سه شنبه ۱ اردیبهشت

۱۶ جمادی الثانی - ۲۱ آوریل

جلسه علنی داشتیم، آقای رجائی لایحه بودجه را آوردند و مطالب نسبتاً خوبی گفتند. حرکت هیأت مجلس به بین‌المجالس مانیل به اشکالاتی برخورد کرده بود که با پیگیری حل شد. با هواپیمای کوچک به دویی رفتند که از آنجا به مانیل بروند.

بعد از جلسه به دفترم آمدم. خانواده آنجا بودند. خوشحال شدم. با آنها ناهار خوردم و برای لحظاتی حالت دفتر کار، به محیط خانوادگی شبیه شده بود؛ مراجعه زیاد داشتم. آنها هم منتظر سعید بودند که آمد و آنها را برد.

آقای کیایی، مسئول پاسداران مجلس آمد. با سپاه اختلاف دارند. مجلس می‌خواهد ایشان بماند، ولی آقای جبروتی مسئول حفاظت سپاه مانیل نیست. گویا حقوقش را توقیف کرده‌اند. قرار شد صحبت کنم. ریشه همان اختلاف لیبرالیسم و خط امام است.

نمایندگان استان مازندران آمدند. آقای نوروزی، نماینده گنبد را که به خاطر تأیید شدن آقای نورمقیدی با ملاقات با امام و آقای منتظری، از مجلس استعفا داده بود، آوردند. گله داشتند که چرا مسؤولان به نمایندگان توجه نمی‌کنند.

از طرف مجله آینده سازان، مصاحبه کوتاهی درباره شهید مطهری کردند. به دفتر حزب رفتم. با آقای دعاگو مقداری درباره شیوه کار گروه کلید قرآن کار کردم.

در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کردم. من و آقای بهشتی تحلیلی از وضع موجود و اینکه چه باید کرد، گفتیم که ضبط شد. گروهی از خمین آمده بودند که تقاضای ابقای قاضی شرع دادگاه انقلاب خمین، آقای قوامی را داشتند. پول پاسدار شهیدی را آورده بودند که وصیت کرده بود در اختیار دولت آقای رجائی بگذارند. قرار شد وصیت نامه‌اش در نماز جمعه خوانده شود؛ جالب است.

شب در نخست وزیری جلسه داشتیم؛ آقای محمدایزدی، گزارشی از کار هیأت بررسی اختلافات دادند و معلوم شد، کمی در جهت محکوم کردن متخلفان که همان لیبرالها بودند، پیشرفت کرده‌اند؛ ولی ضعیف.

شورای سرپرستی صداوسیما برای رفع اختلافات خود، آمده بودند. روح اختلاف این

است که آقای لاریجانی مدیر عامل، می‌خواهد با تیم خودش کار کند و کمتر توجه به خواست اکثریت شورا می‌کند. تا ساعت دوازده شب، مذاکره داشتیم. به نقطه حل روشنی نرسیدیم، ولی جو کمی تلطیف شد.

آقای بهشتی از حيله حقوقدانان و یک قاضی برای آزاد کردن روزنامه میزان ارگان نهضت آزادی از توقیف و شکست توطئه و تعقیب قاضی، صحبت کردند.

#### چهارشنبه ۲ اردیبهشت

۱۷ جمادی الثانی - ۲۲ آوریل

ساعت هشت و نیم صبح از منزل بیرون رفتم. فائزه را به کلاسش رساندم و به مجلس رفتم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. تیمسار افضلی فرمانده نیروی دریایی تلفن کرد که کار فوری دارد. آمد ولی کار مهمی نداشت. اطلاع داد که مؤسسه فیات ایتالیا مایل است که ایران ناسیونال را که از انگلستان تغذیه می‌شود - از نظر بعضی نیازهای فنی و قطعات، با فیات تغذیه کند و همچنین کارخانه تراکتورسازی تبریز را؛ قرار شد با مسئولان صنایع صحبت کند.

از قصد و تمایل فرماندهان به حذف اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش صحبت می‌کرد و اینکه حکم اخیر امام، مبنی بر انتصاب آقای صفائی به ریاست این اداره، این توطئه را خنثی کرده، و صحبت از تجدید سازمان ارتش می‌کرد و اهداف انحرافی فرماندهان موجود، منجمله آقای بنی‌صدر در تضعیف عامل ایمان. مدعی بود که باید سپاه را مبنای ارتش قرار داد و ارتش را رفته رفته در سپاه منحل کرد. شاید می‌خواست مرا بیازماید. گفتم که در خود ارتش، نیروهای سالم و مجرب و مسلمان و قابل تربیت فراوان است.

کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. ظهر کارپردازان مجلس آمدند. دکتر علی‌اکبر ولایتی از عدم رسمی شدن نیروهای اسلامی جدید، که در مجلس کار می‌کنند شکایت داشت. آقای امرتضی اکثریتی در استخدام افراد، محتاط است.

بعد از ظهر، کمیسیون طرحهای انقلاب با هیأت رئیسه، جلسه مشترک برای فعالیت کردن مجلس داشتند، ولی نه طرحی داشتند و نه برنامه، ائتلاف وقت بود.

عصر، سفیر کره شمالی آمد، دعوت نامه رئیس مجلس کره را آورد و خیلی اصرار داشت که در امه آوریل یا می به کره بروم. قول قطعی ندادم. مشکل، عضویت آنها در جبهه شرق است؛ با توجه به سیاست نه شرقی و نه غربی ما.

سپس مسؤولان تربیت بدنی آمدند. خبر و هدف تعطیلی بعضی از قسمتهای تربیت بدنی را گفتند؛ تقویت می خواستند. مسلمانند و دلسوز، ولی لیبرالها با اینها مخالفت می کنند. خانواده شهیدی از کرمانشاه آمدند. دخترشان را به پاسداری دادند و من عقد خواندم. مردم مسلمان و انقلابی. به خاطر خستگی در جلسه شورای مرکزی حزب و جلسه روحانیت شرکت نکردم و به خانه آمدم. خانم آقای مطهری به خانه آمد. درباره مصاحبه‌ای که بنا است با جراید درباره سالگرد مرحوم شهید مطهری داشته باشد، مشورت کرد. خانواده مسلمان و جالبی‌اند. آخر شب نادر، فرزند شهید [مهدی] عراقی آمد و درباره توطئه گروهکها و برنامه مقاومت سپاه جوانان محل مطالبی داشت. پاسداری آمد و برای تهیه فیلمی مستند از جنگ سپاه کمک می خواست.

پنجشنبه ۳ اردیبهشت

۱۸ جمادی الثانی - ۲۲ آوریل

امروز هم جلسه علنی داشتیم و نسبتاً خوب گذشت. بیشتر وقت را جواب سئوالات گرفت. قانون اساسی به نمایندگان حق داده است که از وزرا سؤال کنند و وزرا را مکلف کرده است که ظرف ده روز بیایند و جواب بدهند و هر سؤال و جواب، نیم ساعت وقت دارد و نمایندگان زیاد سؤال می کنند. مخصوصاً مخالفان؛ و شاید هم از این وسیله برای مطرح کردن خویش استفاده می کنند. کثرت سئوالات، لوایح و طرحهای یک فوریتی و دوفوریتی، مانع مراعات این مهلت ده روزه و باعث اعتراض نمایندگان می شود.

امروز در جلسه، برخورد تندی با آقای عمادالدین کریمی نماینده نوشهر و آقای [علی] گلزاده غفوری<sup>۱</sup> داشتم. تقصیر از آنها بود ولی من نمی بایست از جا در می رفتم. خداوند به من کمک کند که بر خودم مسلط باشم و بتوانم از آنها هم عذرخواهی رسمی کنم. آقای کریمی اخطار قانونی بی موردی داد و می خواست پنجشنبه را تعطیل کند، که در این صورت از کاربرد

۱ - شهید مهدی عراقی از اعضای مؤثر هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود. وی در سالهای پیش از انقلاب کمکهای شایانی به نهضت اسلامی کرد و امام خمینی همواره از این شهید به نیکی یاد می کردند. شهید عراقی به همراه فرزندش حسام در سال ۵۸ به دست گروه فرقان ترور شدند و به شهادت رسیدند. کتاب لاهاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه - جلد اول، صفحه ۱۹۹، درباره همکاریهای شهید عراقی در پیشبرد نهضت اسلامی، به ذکر مطالبی پرداخته است.

۲ - نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که به علت غیبت بدون عذر موجه، طبق آئین نامه مجلس شورای اسلامی منعفی شناخته شد.



مجلس خیلی کاسته می‌شود. آقای غفوری شعاری صحبت کرد که من را ناراحت کرد. بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. کارهای هفته آینده را مرتب کردیم و تصمیم گرفتیم تا مبلغ سه هزار تومان به نمایندگان بی‌بضاعت اجاره خانه پردازیم و برای تهیه منزل سازمانی برای نمایندگان تصمیم گرفتیم.

آقای امرتضی الویری خبرگیر افتادن بقایای گروه فرقان<sup>۱</sup> و ضارب آقای عبدالرحیم اربانی شیرازی و اعتراف آنها را داد. گروهی از دانش آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان به شهر، سیصد نفر، به مجلس آمده بودند که ناهار را در مجلس خوردند. در حیات مجلس با آنها نماز جماعت خواندم و کمی هم برایشان صحبت کردم<sup>۲</sup>. شعارهای خوبی می‌دادند. شب خانواده اخوی مرحوم حاج قاسم مهمان ما بودند؛ حرف‌های بیهوده مطرح شد، خوشم نیامد؛ زودتر رفتم خوابیدم، چون بعد از ظهر استراحت نکرده بودم، خسته هم بودم. عفت و جمعی از خانمهای دوستش، امروز برای ملاقات خانم امام رفته بودند ولی به خاطر ازدحام زیاد مردم در کوچه و خیابانهای اطراف خانه امام نتوانسته بودند، خود را به خانه برسانند و در منزل آقای دعاگو اتراق کرده و برگشته بودند.

#### جمعه ۴ اردیبهشت

۱۹ جمادی الثانی - ۲۴ آوریل

ساعت هشت صبح، آقایان دکتر وحید، الشریف و مهندس حاتم‌زاده به منزل آمدند و از هر دری سخنی داشتند. از اشتباه در عدم تجویز ریاست جمهوری برای روحانیت گفتند که منجر به ریاست جمهوری بنی‌صدر گردید و فتوکی نامه‌ای را ارائه دادند که قبل از انتخابات ریاست جمهوری به امام نوشته بودند و در مورد منع انتخاب روحانیت، اعلام خطر کرده بودند. اسم من و آقای خامنه‌ای و آقای ربانی شیرازی را برای ریاست جمهوری برده بودند. نامه جالبی است. امروز اعلام خطرشان معنی و مصداق پیدا کرده است. مهندس حاتمی پیشنهاد کاندید کردن الشریف برای انتخابات میان دوره‌ای اصفهان را داد ولی الشریف و دکتر وحید موافق

۱ - گروه فرقان، تشکیلاتی به ظاهر مذهبی که توسط طلبه‌ای به نام گودرزی با دیدگاههای افراطی، اواخر دوره پهلوی شکل گرفت. افراد این گروه رفته رفته به علت برداشتهای خاص از اسلام انقلابی، شعار اسلام منهای روحانیت را مطرح کردند و در این زمینه اقدام به ترور علمای بزرگی همچون آقایان استاد مرتضی مطهری، دکتر محمد مفتاح و هاشمی رفسنجانی نمودند که ترور آقای هاشمی توسط این گروه نافرجام بود. در سال ۱۵۹۱ اکثر اعضای این گروه دستگیر شدند و تشکیلات آن از میان رفت.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

نبودند.

آقای دکتر وحید، متأسفانه مریض و افسرده است. گویا هنگام شروع جنگ عراق و ایران در عربستان سعودی بوده و رگبار تبلیغات آنجا ایشان را دچار مرض افسردگی کرده است. درباره جذب آقای ربانی شیرازی اصرار داشتند و می‌گفتند دکتر مظفر ابقاشی بازنشسته سیاسی شده و به درد نسل امروز نمی‌خورد. الشریف و حاتمی از حزب زحمتکش‌شان هستند.

آقای محمدزاده اهوازی آمد. راجع به تولید فیلمی برای زنده نگه داشتن جنایات شاه از زندگی او و خانواده‌اش و اصلاح دادگاه‌های انقلاب و جذب روحانیون مخالف، پیشنهادهایی داشت. نگران از نارضایتی روحانیون است.

ظهر را برای تفریح بچه‌ها به باغ ایروانی در کرج که در اختیار سپاه است، رفتیم. اردوی دخترانه مدرسه خسروی هم آنجا بودند، نماز جماعتی با آنها خواندیم و ممنون شدند. ظاهراً مذهبی و انقلابی‌اند.

عصر سری به هلیجرد زدیم<sup>۱</sup>. هشت سال قبل، شرکت دژساز که من هم چند سهم در آن دارم، آنجا را خرید، ولی کاری نشده و تقریباً درختهای موجودش هم خشک شده، با اینکه خیلی خرج شده. سپس به باغ اردوی رفاه رفتیم. نسبتاً مرتب بود و بچه‌ها در استخر شنا کردند و جای را مهمان باغبانان بودیم. سرشب به خانه آمدیم.

شنبه ۵ اردیبهشت

۲۰ جمادی الثانی - ۲۵ آوریل

اول وقت به مجلس رفتیم. فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران ارومیه آمدند و از وضع آنجا و درگیری استاندار با آقایان حسنی و ذکیانی گفتند و چون در این مورد، در شورای تأمین بحث است، پیشنهاداتی داشتند.

جلسه آئین‌نامه داشتیم. حق استعفای نمایندگان را مشروط به تصویب مجلس کردیم. آقایان مهندس مهدی بازارگان، دکتر کاظم اسامی و اعلی‌الگلزاده غفوری ناراحت شدند، زیرا این قانون جلوی کارشکنیهای اقلیت را تا حدودی می‌گیرد<sup>۲</sup>.

۱ - هلیجرد زمینی است در حدود ۴۰۰ هکتار که در ابتدای انقلاب کرج، فروپوش واقع شده. بحث مهمی از این زمین، بعدها به بهشت سکینه و انجمن خیریه معنولین کهریزک، جهت فعالیتهای عام المنفعه واگذار شد.

۲ - آن روزها، افرادی از نمایندگان مخالف، برای استفاده از تریبون بخش مستقیم مجلس، از طریق استعفاء موج تبلیغات منفی

بعدازظهر کاردار سفارت انگلستان به دیدنم آمد. خواهان توسعه روابط بود، مترجم خوبی نداشتیم و خیلی حرف زده نشد.

آقای سیدعیسی طباطبائی از لبنان آمد و از اختلافات خود با آقای سید صادق موسوی شیرازی و عدم امکان همکاری صحبت داشت و از مشکلات زندگیشان در لبنان.

سپس آقای حسام الدین امامی مفسر مطبوعات آمد و از کم کاری و بی خطی کیهان و اطلاعات و ضعف تبلیغات شکایت کرد و پیشنهادهای مفیدی داشت.

با مهندس بازرگان قرار داشتیم، ولی به خاطر مراجعات زیاد انجام نشد. ایشان آمدند ولی فرصت کافی نبود. شب در منزل آقای ناطق نوری مهمان بودیم. رفقای معمم، آقایان بهشتی، باهنر، خامنه‌ای، [عبدالمجید] معادیخواه، صفائی، حمیدزاده، حقانی و... بودند و درباره روحانیت مبارز و شاخه روحانیت حزب و مناظره پیشنهادی آقای بنی صدر، مشورت‌هایی شد و تصمیماتی اتخاذ شد.

یکشنبه ۶ اردیبهشت

۲۱ جمادی الثانی - ۲۶ آوریل

اول وقت جلسه هیأت رئیسه داشتیم و سپس جلسه علنی. در جلسه علنی تأسیس وزارت معادن و فلزات تصویب شد.

ظهر معلولان بیمارستان قدس آمدند و از کیفیت اداره دکتر شیبانی و خانم مفیدی شکایت داشتند. بعدازظهر آقایان مهاجری و آقازاده آمدند و درباره فعال کردن فراكسیون حزب جمهوری مجلس شورای اسلامی مطالبی بحث شد و تصمیماتی اتخاذ شد. سپس به جلسه شورای مرکزی حزب رفتیم. شب در جلسه مشترک مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس حزب شرکت کردم. مقداری از وقت در انتقاد از حزب و روزنامه جمهوری اسلامی گذشت.

آقای آیت به خط روزنامه اعتراض داشت، آقای امیرحسین موسوی دفاع کرد. آقای دکتر [حسن] عباسپور نکاتی از لایحه بودجه را توضیح داد و نمایندگان را توجیه کرد.

شب با [فرزندم] محسن، در بلژیک تلفنی صحبت کردم. حالش خوب بود. کتاب و پوستر و نوار می‌خواست. محسن به خاطر عدم امنیت بعد از ترور من توسط فرقان و تهدید شدن او در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

علیه خط امام راه می‌انداختند.

محیط تحصیل و عدم تمایلش در به همراه داشتن محافظ، برای ادامه تحصیل به خارج رفت. در شیراز در کنکور پذیرفته شده بود و مشغول تحصیل بود. اکنون تمایلی به زندگی در غرب ندارد و به انقلاب اسلامی سخت وفادار است و در آنجا با گروهی از دوستانش به نفع جمهوری اسلامی فعالیت دارد.

دوشنبه ۷ اردیبهشت

۲۲ جمادی الثانی - ۲۷ آوریل

اول وقت آقای محمد درویش با آقای باقری، دامادش به منزل آمدند. درویش عازم جزیره کیش برای کاری بود. آقای باقری که در (واحد) سیاسی ایدئولوژی دانشکده افسری است، از محیط اسلامی و حزب اللیبی دانشکده و سرهنگ نامجو<sup>۱</sup> راضی است. بعد از انقلاب، دو دوره دانشجوی گرفته‌اند که مسلمان و انقلابی‌اند، و گفت سال سوم که از دانشجویان قبل از پیروزی انقلابند، خیلی جالب نیستند و این روزها کارشان تمام است و به جبهه خواهند رفت. امیدوار بود که پس از گزینش امسال، محیط دانشکده یکپارچه اسلامی و انقلابی شود.

به زیارت امام رفتم. با امام درباره مسافرت به کره شمالی و مناظره با گروهها در تلویزیون مشورت کردم. امام موافق با هر دو بودند؛ ولی از اینکه خود ماها با آنها در تلویزیون ظاهر شویم، راضی نبودند و نظرشان این بود که افرادی غیر معمم و نه خیلی مشهور شرکت کنند. گزارشی داشتند که سفارت شوروی مورد تهدید گروهکیاست. سفارش کردند که مواظبت شود، حادثه آفرینی نشود. در مورد ادعاهای شرکتیهای امریکائی نسبت به ایران فرمودند: زیر بار زور نرویم و مشروعیت حقوق ادعایی غیر حق را نپذیریم. قرار شد پیامی برای سالگرد شهادت مرحوم مطهری بدهند.

پیش از ظهر، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر در جلسه پاسداران محافظ مجلس شرکت کردم و به سئوالشان پاسخ دادم.

مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات به مناسبت سالگرد شهادت آقای مطهری داشتم<sup>۲</sup>. درباره کیفیت فیلم برداری جلسات مجلس و پخش آن، مذاکراتی داشتیم.

۱ - سرهنگ موسی نامجو رئیس دانشکده افسری که بعدها به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب شد، در سقوط هواپیمای سی - ۱۳۰ ارتش جمهوری اسلامی به همراه سرتیپ و لاجر، سرهنگ و کوری و برادر پاسدار کلاهدور، به وسیله شهادت یافتند.  
۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - معجزه ۱۳۶۰.



مرتضی مطهری - هاشم صباغیان - مهدی بازرگان - هاشمی رفسنجانی - بنیادالله سجادی

مهندس بازرگان آمد و بحث مفصلی در مورد موضع گیری های نهضت آزادی در مقابل دولت، قانون و اوضاع جاری کشور داشتیم. از اینکه برخلاف عقیده خودشان با بنی صدر، علیه رجایی همکاری دارند، جواب درستی نداشت و از اینکه دولت از نیروهای آنها استفاده نمی کند، گله داشت. این را به عنوان انحصار طلبی حزب جمهوری اسلامی مطرح می کرد که جواب کافی شنید. بحث به وقت دیگری موکول شد. مجاهدین خلق در تهران آشوب به پا کردند و جمعی از آنها دستگیر شدند.

سه شنبه ۸ اردیبهشت

۲۳ جمادی الثانی - ۲۸ آوریل

در منزل، نامه های مردم را خواندم و سپس به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. در سخنرانیهای قبل از دستور آقای محمدعلی اهادی [نجف آبادی]، از [فخرالدین] حجازی، اسیدعلی اکبرپوروش و اهرآچ اخاچاطوریان به خاطر عدم مراعات مصالح سیاست خارجی در نطقهای قبل از دستور، انتقاد کرد و آقای حجازی جواب گفت و جو مجلس کمی متشنج شد.

سپس آقای محمد منتظری از فتنه مجاهدین خلق یاد کرد و آیات محارب را بر آنها تطبیق کرد و تقاضای شدت عمل نمود و در مورد محاکمه امیران نظام بحث و اخطار کرد که مبادا مامحه شود. سندی را خواند که عباس امیران نظام روزهای اول پیروزی به دستور آقای بازرگان، نخست وزیر، راه را برای فرار خارجیان و اخراج ثروتها و اسناد بازگذاشته<sup>۱</sup> و متهم به

۱- حجت الاسلام محمد منتظری در این نطق خود، درخواست کرده بود که محاکمه آقای امیر نظام کافر نیست و باید بفره عدای دولت موقت نیز محاکمه شود. روز در جلسه محاکمه به عنوان مذاکره حضور داشت. حجت الاسلام محمد منتظری در حقه انحصار دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

۲- این سند به این شرح خوانده شد: تیمسار پیروزی مدیرکل هواپیمائی کشوری - جناب آقای نخست وزیر در مقابل تقاضای سفارت انگلستان و سفارت آمریکا در ایران موافقت فرموده اند که برای خروج اتباع خود و سایر کشورهای خارجی سوسیله هواپیماهای نظامی و کشوری دولت مزبور هر چه رودتر اقدام نمایند. لازم است برای انجام هر چه بهتر این کار به مسئولین مربوطه دستور داده شود که در این دره کمکهای لازم را با توجه به شرایط زیر برای این گونه پروازها در اختیار مأمورین انگلیسی و آمریکایی بگذارند: ۱- عبور از کلیه راههای ورودی و دره های فرودگاه محرز باشد. ۲- تأمین مأمور کافر برای انجام مسافرت یک، هزار نفر مسافر در روز. ۳- فراهم کردن تجهیزات لازم برای حمل تا به مسافران این پروازها از در پایبوت دولتی. ۴- کمک به تنظیم برنامه پروازها و اطمینان دادن به مأموران سفارت که تمام هواپیماها بر طبق برنامه سفارت انگلستان و سفارت آمریکا اجازه پرواز خواهد داشت. به نمایندگان سفارتخانه مزبور اطلاع داده شده است که برای انجام این منظور با شعا تماس گرفته و مذاکره نماید. معاون نخست وزیر عباس امیران نظام.



صحنه ای از تشنج مجلس

خیانت عظمایشان کرد. گفت: امهدی بازارگان، هاشم اصباغیان و دکتر ابراهیم ایزدی هم باید محاکمه شوند. از خیانت فریور معاون تسلیحاتی وزارت دفاع گفت، حیدری پاکسازی شده را به عنوان مسئول به خطر افتادن پنجاه و شش میلیون دلار که در خرید اسلحه کلاه سرش رفته افشا کرد. از اینکه بعضی فرماندهان ارتش، می‌خواهند پاکسازی شده‌ها را برگردانند، انتقاد کرد.

مهندس بازارگان، خواست دفاع کند؛ اجازه دادم ولی برخوردارند آقای معین فر با آقای قاسمی و فحاشی معین فر جلسه را متشنج کرد<sup>۱</sup> و اکثر نمایندگان به عنوان اعتراض جلسه را ترک کردند و من برای خواباندن فتنه، تنفس دادم و درگیربهای زیادی در حال تنفس روی داد. آقای حسینی نماینده نائین بیهوش شد، بعد از آرامش، جلسه برقرار شد و خوب پیش رفت؛ بحمدالله.

ظهر وزرا مهمان مجلس بودند که با نمایندگان تماس داشته باشند و نمایندگان کارهایشان را انجام دهند.

عصر در جلسه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم و درباره فتنه مجاهدین خلق و کیفیت مقابله با آنها مذاکره شد و تصمیماتی گرفتیم؛ مخصوصاً در تقویت تبلیغات که نقطه ضعف ما است.

شب در نخست وزیری با آقایان بهشتی، رجائی، ابهزادانبوی و اخوی محمد، جلسه مشورتی داشتیم و تصمیماتی در همین زمینه گرفتیم.

خبر شهادت خلبان شیروودی در غرب ما را داغدار کرد<sup>۲</sup>. خلبان شجاع، مکتبی و مهمی بود. شب که به خانه آمدم خیلی خسته بودم. عنت از اینکه باز در گفته‌های امام<sup>۳</sup> ستایش از بنی صدر

۱ - هنگامی که سعادت‌الاسلام محمد منتظری گفت: در دادگاه فقط امیر نظام است که باید محاکمه شود افراد دیگری نیز در این کشور باید محاکمه شوند (احداثت نمایندگان) از قبیل... در این هنگام مجلس به شدت متشنج شد و سخنان شدیدی بین بعضی از نمایندگان رد و بدل شد، در این حالت عده‌ای از نمایندگان در اعتراض به حرف معین فر جلسه را ترک کردند که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس گفتند: آقایان لطفاً به جلسه برگردید، جلسه را ترک نکنید، ایشان تویج خواهند شد.

۲ - ستوار بکم خداد علی اکبر فروزان شیروودی در آخرین مأموریت جهادی خود در باامداد روز هشتم اردیبهشت ۶۰ در سرپل ذهاب به شهادت رسید.

۳ - امام خمینی در دیدار با انجمنهای اسلامی درباره بنی صدر فرمودند: رئیس جمهور یک شخصی است پس بنی صدر همانانی، یک ملا، همان، حال هم که هست از آن بال و کوبان داره است و از خود مرده است. (مجموعه نور، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸۹، روحان مبارک فرهنگ و انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳)



شده، ناراحت بود و می‌گفت خانم شهید مطهری هم ناراحت است، ولی من توضیح دادم که ستایش مهمی نبوده. ولی نظری هم این است که همین مقدار هم در این شرایط زیاد است. کاملاً روشن شده بنی‌صدر در کنار ضدانقلاب است. حاضر نیست منافقانی را که می‌خواهند جنگ داخلی را شروع کنند، محکوم نماید. با اینکه امام از او خواسته‌اند. ولی امام با توجه به مصالح کلی انقلاب، حرکت می‌فرمایند.

چهارشنبه ۹ اردیبهشت

۲۴ جمادی الثانی - ۲۹ آوریل

اول وقت، خاطرات روز قبل را نوشتم. آقای مهدی رهنما آمد. از اینکه آقای فدوسی در اثر فشار مخالفانش و پرونده‌ای که برایش ساخته‌اند، عذر ایشان را از کار در دادستانی انقلاب خواسته بودند، گله داشت. خدمات خود را در رابطه با کشف خلافهای شرکتهای نفتی توضیح داد.

حاج احمد آقاخیمینی تلفن کرد و خواست که کاری برای آقای محمود بروجرودی که اخیراً از معاونت پارلمانی وزارت خارجه کناره رفت، در نظر گرفته شود و نیز برای آقای اعلی اکبرامحتشمی؛ توصیه داشت که با آقایان علما، رابطه بهتری برقرار شود. پیش از ظهر جلسه کمیسیون آئین‌نامه داشتیم و بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه. در هیأت رئیسه اطلاع شعبه سی و پنج دادرسی در مورد شکایت و اعلام جرم آقای بنی‌صدر علیه آقای رجائی و بهزاد نبوی در مورد حل قضیه گروگانها مطرح شد، چون اطلاع مجلس در مورد جرائم عادی رئیس جمهور و وزرا لازم است، نه جرائم سیاسی و تردید پیش آمد که این گونه موارد را مجلس رسیدگی می‌کند یا دادگستری؛ قرار شد از شورای نگهبان توضیح خواسته شود، سپس اگر لازم بود به اطلاع مجلس برسد.

نامه آقای ابهزاد نبوی مطرح شد که تقاضای جلسه غیر علنی رسمی مجلس برای توضیح درباره گروگانها داشت. در دستور هفته آینده گذاشتیم.

با استناداری کرمانشاه درباره خبر حمله لشکر هفت زرهی عراق به نیروهای ما در بازی دراز صحبت کردم. به حمدالله دفاع نیروهای ما قوی بوده ولی فشار دشمن هم زیاد است.

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت

۲۵ جمادی الثانی - ۲۰ آوریل

جلسه علنی مجلس داشتیم. نطقهای پیش از دستور خوب بود و اکثراً علیه فتنه مجاهدین خلق و من هم مشروحاً درباره شهادت خلبان شیروودی، روزکارگر، فتنه مجاهدین و تعویق انتخابات میان دوره‌ای صحبت کردم<sup>۱</sup>.

از آقای وزیر کشور خواستم که بیاید توضیح دهد. آقای مهدوی‌کنی آخر وقت آمدند و توضیح دادند و در مجموع روشن شد که آقای بنی‌صدر مخالف انجام انتخابات است، ولی بهانه همه جا در یک روز را مطرح کرده که به هدف خودش برسد. تذکرگروه لیب‌الهای مجلس به وزیر کشور در همین خصوص که تابع سیاست بنی‌صدر است، نیز خنثی شد. آقای بنی‌صدر، برخلاف دستور قانون اساسی، هنوز مصوبه مجلس را بعد از بیست روز امضاء و ابلاغ نکرده است.

آقایان مهندس بازرگان، یزدی و صباغیان از اهانتی که به آنها شده بود، طبق ماده شصت و شش آئین نامه هر یک به مدت یک ربع ساعت دفاع کردند، ولی مطلب مهمی نداشتند. بعد از ظهر فرماندار خرم‌آباد آمد. شکایت از فشار حزب‌اللهی‌های استان داشت. استعفا داده و معتقد بود، آنها بد عمل می‌کنند، مدعی بود عده زیادی از مسئولان استعفا داده‌اند. آقای صاحب‌الزمانی، خبر تصادف شدید آقای حسین نوری امام جمعه همدان را داد و برای انتقال ایشان به تهران هلیکوپتر خواست.

مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهری داشتم<sup>۲</sup>. آقایان سید صادق موسوی و بادامچی آمدند. آقای موسوی امتیاز و تأیید بیشتر در لبنان خواست و من مشروط به اتفاق همه جناحهای موجود کردم.

شب در مدرسه سپهسالار، جلسه‌ای برای تبیین و تدریس معارف اسلامی داشتیم. آقایان اموسوی اردبیلی، امامی، حقانی، خامنه‌ای و عبدالمجید معادیخواه بودند. آقای موسوی اردبیلی وضع کلی پرونده چهارده اسفند دانشگاه را توضیح داد. ادله برای محکومیت سیاسی و جنائی آقای بنی‌صدر در مورد گارد و فساد دفتر رئیس جمهور و کتک زدن مردم در دانشگاه کافی است. ولی هنوز ملاحظات سیاسی مانع اقدام است و پرونده نواقصی دارد و

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور - زیر نظر محسن هاشمی - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



عبادت از معلولان جنگ

قضات لیبرالی در جریان کارند که سنگ اندازی می کنند.

معلوم شد که آقای بنی صدر هم، اعلام جرمی علیه آقای رضا صدر در زمان وزارت دارد. عفت و خانواده شهید مطهری، امروز به قم برای مراسم سالگرد شهادت رفته بودند. آخر شب برگشت. خیلی خسته و عصبی بود.

جمعه ۱۱ اردیبهشت

۲۶ جمادی الثانی - ۱ ص

صبح زود از دفتر امام تلفن زدند. آقای صانعی اطلاع داد که دیشب در پادگان حشمتیه تیراندازی بوده و اکنون پادگان در محاصره سپاه و کمیته است. با سپاه تماس گرفتم، معلوم شد حقیقت دارد. هنوز حقیقت ماجرا معلوم نیست، قرار شد تحقیق کنند و اطلاع دهند.

از ستاد ارتش پرسیدم گفتند مهم نیست. دیشب ناشناسی به داخل پادگان تیراندازی کرده و از داخل جواب داده اند. کمیته و سپاه خیال کرده اند که در داخل خبری است، پادگان را محاصره کرده اند. صبح که روشن شده رفع محاصره گردیده است.

ولی آقای (محسن) رضائی مسئول اطلاعات سپاه قضیه را ریشه دار می داند و بنا است، بعد از رسیدگی گزارش نمایند.

برای عبادت معلولان جنگ و انقلاب از خانه بیرون رفتم. خانه محوی فراری (پسر خاله شاه) را که منزل بسیار بزرگ و مجللی است، مرکز جاتیازان معلول کرده اند. شصت نفر بودند که تقریباً همگی قطع نخاع داشتند و از کمر یا گردن به پائین فلج بودند. خانم (فاطمه) اکروی از طرف بنیاد شهید آنجا را اداره می کند. خوب اداره می شود و راضی بودند.

نماز را با آنها به جماعت خواندیم. روی صندلیهای چرخدار در جماعت حاضر شدند و ناهار را با آنها خوردیم. چلو کباب داشتند.

عصر و شب به عروسی دختر آقای مهدوی کنی وزیر کشور دعوت داشتیم. عفت همراه سعید، فاطمی، خانم مفتاح، خانم باهر، خانم معادینخواه و دختر امام رفتند. ولی من وقتی که آماده رفتن شدم، فائزه و حمید آمدند، لذا ترفتم. تمایلی هم نداشتم که در زمان جنگ، در این گونه برنامه ها شرکت کنم. احمد آقا خمینی هم قرار بود اول شب به منزل ما بیاید، انصرافش را اطلاع داد.

شنبه ۱۲ اردیبهشت

۲۷ جمادی الثانی - ۲ می

اول وقت خانم افشار آمد. دو سردخانه او مشمول بند «ج» شده و دولت تصرف کرده است، چون بدهی بانکی آن بیش از حد مجاز است. در رژیم قبل دوست نزدیک مقدم رئیس ساواک بوده و گویا یک بار با وساطت آقای موحدی رئیس بانک پارس، برای نجات من از زندان کمک کرده و اکنون از من توقع کمک دارد؛ ولی اصولاً کاری برخلاف مقررات نمی‌کنم.

سپس به مجلس رفتم، آقای جلیلی از کرمانشاه آمد و به اینکه علمای آنجا می‌خواهند مدرسه علمیة جدیدی بسازند، معترض بود و می‌گفت چرا از مدرسه بروجردی که در اختیار ایشان است، استفاده نمی‌کنند؟

کمیسیون آئین نامه داشتیم. ظهر آقای نصراللهی نماینده آبادان آمد و از کمیبود آمبولانس و موتور سیکلت در جبهه آبادان برای سپاه گفت. با آقای رفیق دوست صحبت کردم، قرار شد تأمین شود.

آقای خواجهوی آمد. خواهان افراد بیشتری برای مشاورت حقوقی بود؛ ولی تاکنون کار مؤثری نکرده‌اند. انتظار این است که اقدامات وسیع و سریعی در اصلاح قوانین گذشته بشود. بعد از ظهر از انجمن اسلامی هلیکوپتر سازی آمدند و صحبت از برنامه‌ای می‌کردند که بنا است هیأت مدیره‌ای از غیر مکتبی‌ها، شرکت عظیم و کارهای فنی هوایمانی را اداره کنند و از نماینده‌ای که از طرف کمیسیون دفاع مأمور تحقیق است، گله داشتند.

آقای صادق طباطبائی آمد و از انتقاد آقای محمد منتظری در مجلس از ایشان گله داشت و جوابهایی هم می‌داد؛ ایشان در رأس شرکتی واسطه خرید اسلحه برای ارتش است. از اینکه آقای رجائی و آقای خامنه‌ای در شورای دفاع گفته‌اند ایشان در اروپا سکرتر ایتالیائی استخدام کرده، گله داشت و می‌گفت صحت ندارد. اطلاعاتی در مورد ۵۶ میلیون دلار فریب خوردن در خرید اسلحه داد.

آقای صدری افشار همراه حمید مرعشی آمد. از اینکه ستاد انقلاب فرهنگی و دکتر عارفی از ایشان و امثال ایشان در امر ترجمه استفاده نمی‌کنند، گله داشت. گویا ایشان متهم به توده‌ای بودن شده است و رفقای دیگرش را نیز برای این کار معرفی می‌کرد.

آقای مهندس بازرگان آمد و از انحصار طلبی جریان حاکم (حرف غلط همیشگی مخالفان)

صحبت داشت و از من می پرسید، از ما چه می خواهید؟ و من گفتم کار شگنی نکنید، کافی است. سه جلسه طولانی با ایشان صحبت کرده ام؛ چیز مهمی بدست نیامده. سفیر فلسطین آمد و در مورد هجوم اسرائیل و کتاب اعلام خطر می کرد و کمک سیاسی می خواست و از اینکه به خاطر جنگ نمی گذاریم داوطلبان به فلسطین بروند، بی گله نبود. سفیر لیبی آمد، از نتایج سفر قذافی به مسکو گفت و خواهان همکاری بیشتر بود و هواپیمای ۱۳۰-۵ می خواست و از ابقای ایاذ ثابت صحبت می کرد، که قرار است اخراج شود.

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت

۲۸ جمادی الثانی - ۲ می

ساعت هفت صبح جلسه هیأت رئیسه داشتیم. در آن جلسه سخنرانی پریروز حسین آقا خمینی<sup>۱</sup> در مشهد مطرح شد و اینکه به همه مطبوعات اطلاع داده شده که حرفهای او را ننویسند.

جلسه علنی امروز کاری از پیش نبرد. لایحه عدم اجرای حکم تخلیه مساکن مسنأجره، تصویب نشد. اشکال شرعی به نظر می رسد. مجلس نشان داد، مواردی که پای احکام شرعی در میان باشد سخت و انعطاف ناپذیر است.

لایحه ملی کردن اموال خانواده پهلوی هم به مانع برخورد. چون احتمال اینکه ملی کردن در بعضی از کشورها مستلزم مطالبه غرامت شود به میان آمد و کمیسیون و دولت و موافقان نتوانستند.

ظهر احمد آقا خمینی و آقای صانعی ناهار را مهمان من بودند. در مورد حسین آقا و صحبت های مشهد بحث شد باید به هر نحو که شده سعی کنیم که محفوظ بماند. برخورد را صلاح ندانستیم و راه ارشاد را پیشنهاد کردیم و از اداره تلویزیون، سخت گله داشتند.

امام جمعه شاهین شهر و استاندار اصفهان آمدند و از مشکلات شاهین شهر و فولاد شهر که جدید الاحداثند و مردم متفرقه را در خود جای داده اند، می گفتند و راه حل می خواستند. قرار شد کمک کنیم.

سروان شریف النسب آمد. او توصیه می کرد که تیمسار ظهیرنژاد را جذب کنیم، زیرا آدم

۱ - حاجت الاسلام حبر حمینی فرزند شهید معظّم خمینی، نوه امام خمینی می باشد.

سالمى است و نگذاريم بنى صدر ايشان را جذب كند. عصر در شوراي مركزى حزب جمهورى شركت كردم. بحث روى شركت در مناظره تلويزيونى متمرکز بود. اكثريت مى گفتند، شركت نكنيم به خاطر حضور حزب توده و فدائيان و چون جناح ليبرال نمى آيند. تقصير از آنها است و حربه از دستشان گرفته مى شود. آقاى بهشتى طرفدار شركت بودند و خودشان هم آماده شركت در بحث. چون امام ترجيح مى دهند كه خود ماها نباشيم، اين هم مانعى به حساب مى آيد.

شب در جلسه مشترك نمايندگان مجلس و مسئولان اجرائى حزب شركت كردم. ميزگردى درباره بودجه بود. سپس تحليلى درباره وضع موجود به استناد نتايج سنجش افكار اداره آمار كردم. موقفيت خوب خط امام و نقاط ضعف و قوت را توضيح دادم. اين آمار، خط امام را محبوبترين مى داند.

دوشنبه ۱۴ ارديبهشت

۲۹ جمادى الثانى - ۲ مى

خاطرات ديروز را و پيامى هم براى سمينار بزرگداشت شهيد مطهرى در دانشگاه نوشتم. آقاى ابوالفضل رهنا نماينده دادستان انقلاب در وزارت نفت آمد و مطالبى درباره كمبودهاى وزارت داشت.

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. آقاى احمد توكللى مشورتى با من داشت، در خصوص كسالت مفاصل و اينكه كار زياد ايشان را از پاى درمى آورد كه مى خواهد از سمتهاى اضافى مثل منشى گرى و عضويت در شوراي سرپرستى صداوسيمما استعفا بدهد. قرار شد رفته رفته تخفيف بدهد.

با آقاى دكتور ولايتى در خصوص جواب نامه شعبه ۳۵ بازپرسى دادگستري مشورت شد. شعبه طي نامه اى جريان پرونده شكايت آقاى بنى صدر از آقاى رجائى و نبوى و اعلام جرم عليه آنها در مورد گروگانها را اطلاع داده است.

آقاى بهرامى ساوجى آمد كه با آقاى باهنر اوزير آموزش و پرورش ادر مورد اصلاح پرونده ايشان كه مشمول پا كسازى شده، صحبت كنم. به نظر مى رسد به ايشان ظلم شده و به خاطر مطالب بى اهميتى پا كسازى شده است و لابد خيلى هاى ديگر هم چنين وضعى دارند كه ما نمى دانيم.

سپس به کمیسیون آئین نامه رفتم. بحث کمیسیونها بود. آقای اغلامحسین اکریاسچی از صداوسیما آمد و نگران وضع آنجا بود. حق هم دارد. گفت مسئولان جدید خوب عمل نمی کنند.

بعد از ظهر مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی داشتم<sup>۱</sup>. رد شدن لایحه «متوقف ماندن حکم دادگاهها در مورد تخلیه محلیهای مسکونی استیجاری در مجلس» سئوالات و اعتراضات زیادی به دنبال داشته و در جهت منافع مستکبران تلقی شده است.

آقای طلاچیان آمد و نگران ابهام وضع در صورت خلأ رهبری امام بود و پیشنهادهایی ارائه داد. راستی مطلب هم مهم است.

با سفیر کره جنوبی ملاقاتی داشتم و دعوت نامه رئیس مجلس کره را برای بازدید از کره جنوبی آورده بود. برای اینکه از کره شمالی عقب نمانند.

عصر در جلسه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی درباره دو سال بعد از پیروزی سخنرانی داشتم و جواب سئوالات ایشان را دادم<sup>۲</sup>.

سه شنبه ۱۵ اردیبهشت

۳۰ جمادی الثانی - ۵ می

اول وقت آقایان ضیائی و دکتر فاضلی که هر دو پیشنهادند آمدند. یکی می خواست که رفع توقیف از اموال توقیف شده پولداری شود و دیگری می خواست که زمینهای مصادره شده دیگری، بین مردم تقسیم شود!

جلسه علنی داشتیم و طرح بنیاد جنگ زدگان مطرح بود؛ ناتمام ماند و به جلسه بعد موکول شد. فوریتیها مشککش این است که در جلسه علنی، پیشنهاد جدید پذیرفته می شود. پیشنهادها زیاد می شود و وقتگیر.

بعد از ظهر، فرمانده هوانیروز و جمعی از افسران مکتبی آمدند و از مکتب زدایی درون ارتش نگران بودند. راه علاج را مکتبی بودن فرماندهان تا سطح تیپ می دانستند. چون آقای بنی صدر جانشین فرماندهی کل قوا است اینگونه مراجعات به ما زیاد است.

عصر در دفتر سیاسی حزب جمهوری شرکت نکردم تا کارهای عقب مانده را انجام دهم و

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.



آیت الله سید محمد حسین بهشتی . آیت الله اکبر خراسانی . آیت الله سید علی خامنه ای



گزارشها را بخوانم. قسمتی از پرونده دوره مبارزه ام را از ساواک شاه آورده بودند، خواندم. جالب است. نکات مهم تاریخی دارد<sup>۱</sup>.

نماینده حزب جمهوری اسلامی بنگلادش آمد و خواهان کمک برای تبلیغات اسلامی و پذیرش طلبه از بنگلادش در قم بود. ایشان می گفت، احساسات مردم بنگلادش با جمهوری اسلامی ایران است.

شب، در جلسه مشورتی با حضور آقایان بهشتی، خامنه‌ای و رجائی در نخست وزیری شرکت کردم. آقای خامنه‌ای که به تازگی از کردستان برگشته‌اند، گزارشی از آنجا دادند و پیشنهاد کارهای تولیدی و ایجاد شغل و رفتن مسئولان سطح بالا به منطقه به منظور نشان دادن حضور دولت، داشتند.

آقای رجائی، برای پاسخگویی تلویزیونی رفت و ما هم فرصتی پیدا کردیم که در مورد موضوعات زیادی که کمتر فرصت مشورت و تبادل نظر پیدا کرده‌ایم، صحبت کنیم. پس از صرف شام به خانه آمدم. خبر دادند که روز یکشنبه آقای بنی صدر در خانه خواهرش دو ساعت با سعود رجوی ملاقات داشته است. همکاری رئیس جمهور با سران گروهی که در صدد مبارزه مسلحانه با جمهوری‌اند و تحت تعقیب مقاماتند، عجیب و غیر قابل تحمل است، مخصوصاً که امام فرموده با آنها درگیر شود.

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت

۱ رجب - ۶ صی

اول وقت آقای علی مرعشی و همسرش از رفسنجان آمدند، برای رفع اشکال استخدام خانم اسدی. با آقای باهنر صحبت کردم. مطلب مهمی نبود، رفع می شود. سپس به مجلس رفتم و پس از مطالعه گزارشها و انجام کارهای اداری در کمیسیون آیین نامه شرکت کردم. بحث درباره تنظیم کمیسیونهای مجلس است.

آقایان کیاوش و دکتر ولایتی را برای بازرسی و رفع مشکل اختلاف میان دکتر شیبانی و معلولان انقلاب به هتل قدس فرستادم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شرکت کردم. بحث انتخابات

۱ - کلیه اسناد ساواک مربوط به دوران مبارزه آیت الله هاشمی. روحانی در زمان پیش از انقلاب در کتاب هاشمی روحانی، دوران مبارزه وزیر نفیر محسن هاشمی، ۱۳۷۶ به طور کامل چاپ شده است.